

QUESTION

بازي

بازوي تربيت

سرشناسه: عباسی ولدی، محسن ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور: بازی، بازوی تربیت/تدوین محسن عباسی ولدی؛ با همکاری گروه تربیتی «آیین فطرت»
مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۱۴۱ص. مصور
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۵۶-۶-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: بازی کودکان - راهنمای آموزشی
موضوع: بازی های کودکان ایرانی - راهنمای آموزشی
شناسه افزوده: گروه تربیتی آیین فطرت
رده بندی کنگره: LB۱۱۳۷/ع۲ب۲۱۳۹۲
رده بندی دیویی: ۷۹۳/۴ شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۳۸۷۱

بازی، بازوی تربیت

تدوین: محسن عباسی ولدی

با همکاری: گروه تربیتی «آیین فطرت»

انتشارات آیین فطرت

عکاس: مصطفی خلیلی

صفحه آرایی: حسین ونکی فراهانی

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: هشتم (اول ناشر: ۱۳۹۴)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۵۶-۶-۷

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

ناشر: ۰۹۱۲۴۵۲۶۱۶۴

مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۹۲

با ورود به این سایت و خرید اینترنتی، کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.

www.bookroom.ir

شماره سامانه پیامکی ما را به خاطر بسپارید: ۳۰۰۱۵۱۵۱۰

پایگاه اطلاع رسانی نویسنده: abbasivaladi.ir

منتظر پیامک های شما هستیم

کلیه حقوق محفوظ است.

همه کوچک می بینند؛ اما تو بزرگی.
می خواهند تو را بزرگ کنند؛ اما تو نزدیک ترینی به بزرگ ترین.
برای بوییدن خدا، در مسیر نسیمی باید قرار گرفت که از کنار تو می وزد.
برای دیدن بهشت، نیم نگاهی به دل زلالت کفایت می کند.
عصمت، گنجی است که در سرزمین پهناور وجود تو پنهان ... نه، پیداست.
معصومیت تو، پُتکی سنگین بر سردلِ صدرنگ من است.
اگر لطافتِ تو را با خود نگاه می داشتم، حالا لطیف ترین بودم.
اگر سخاوتت را از دست نمی دادم، امروز آموزگار حاتم بودم.
اگر صفای تو را حفظ می کردم، اکنون مثل آسمان صاف بودم.
کاش از توهیچ گاه دور نمی شدم.
این کتاب را به تو تقدیم می کنم، باشد که بهانه ای برای آشتی میان من و تو باشد:

تقدیم به کودکی، زلال ترین دوره زندگی.

مقدمه**بخش اول: مرحله شکل‌گیری توانمندی‌ها**

۱۵	
۲۱	
۲۳	بازی اول: صدا درآوردن
۲۴	بازی دوم: خواندن
۲۴	بازی سوم: تقلید صدا
۲۴	بازی چهارم: بازی با انگشتان
۲۵	بازی پنجم: تکان دادن
۲۵	بازی ششم: پنهان کردن و نشان دادن
۲۶	بازی هفتم: اومدم اومدم
۲۶	بازی هشتم: بالا بردن
۲۷	بازی نهم: بالا و پایین انداختن
۲۷	بازی دهم: جغجغه‌های واقعی
۲۷	بازی یازدهم: تولید صدا
۲۸	بازی دوازدهم: وایسا وایسا
۲۸	بازی سیزدهم: بیا بیا
۲۹	بازی چهاردهم: دادن و پس گرفتن اشیاء

- ۲۹ بازی پانزدهم:سواری دادن
- ۲۹ بازی شانزدهم:سواری روی اشیاء
- ۳۱ بازی هفدهم:راه رفتن به کمک اشیاء
- ۳۱ بازی هجدهم:برج ساختن و خراب کردن
- ۳۲ بازی نوزدهم:این چیه؟
- ۳۲ بازی بیستم:بازی با آینه
- ۳۳ بازی بیست و یکم:آب بازی
- ۳۵ بخش دوم:دوره کامل شدن توانمندی**
- ۳۷ بازی‌های یک نفره**
- ۳۹ بازی بیست و دوم:کدوم به کدوم مربوطه
- ۳۹ بازی بیست و سوم:بگو چی دیدی؟
- ۴۰ بازی بیست و چهارم:تشخیص رنگ
- ۴۰ بازی بیست و پنجم:این بو، بوی چیه؟
- ۴۰ بازی بیست و ششم:بگو چی شنیدی؟
- ۴۰ بازی بیست و هفتم:چی برای کجا؟ یا چی برای کی؟
- ۴۱ بازی بیست و هشتم:چی رو برداشتم؟
- ۴۲ بازی بیست و نهم:جفت کردن اشیاء
- ۴۲ بازی سی‌ام:بستن چشم و پیدا کردن مهره‌ها و دگمه‌ها و ...
- ۴۲ بازی سی و یکم:نقطه‌ها رو به هم وصل کن
- ۴۳ بازی سی و دوم:چی رو کجا گذاشتم؟
- ۴۳ بازی سی و سوم:حدس زدن اشکال و اشیاء
- ۴۴ بازی سی و چهارم:بازی با مهره و دگمه

۴۴	بازی سی و پنجم: تشخیص حروف الفبا با چشم بسته
۴۵	بازی سی و ششم: خودتو ببین، صداتو بشنو
۴۵	بازی سی و هفتم: نقاشی در هوا
۴۵	بازی سی و هشتم: لب خوانی کردن
۴۶	بازی سی و نهم: بازی با غذا و خوراکی‌ها
۴۶	بازی چهلم: پریدن روی اشیاء نرم
۴۷	بازی چهل و یکم: بیپر بغلم
۴۷	بازی چهل و دوم: دنبال کردن
۴۸	بازی چهل و سوم: بازی در آشپزخانه
۴۹	بازی چهل و چهارم: بازی با میوه
۵۰	بازی چهل و پنجم: شستن ظرف و لباس
۵۱	بازی چهل و ششم: ماهی گیری
۵۲	بازی چهل و هفتم: آگه تونستی نخندی
۵۲	بازی چهل و هشتم: غلظه آی غلظه
۵۳	بازی چهل و نهم: تیر و کمان
۵۳	بازی پنجاهم: نقاشی با چشم بسته
۵۴	بازی پنجاه و یکم: چوب و لاستیک
۵۴	بازی پنجاه و دوم: بازی با قیچی
۵۵	بازی پنجاه و سوم: بازی با کاغذ
۵۶	بازی پنجاه و چهارم: سکه، آب و لیوان
۵۶	بازی پنجاه و پنجم: کشیدن شکل اشیاء به کمک خود اشیاء
۵۷	بازی پنجاه و ششم: بازی با تخم مرغ

- ۵۷ بازی پنجاه و هفتم: بازی با کاج
- ۵۸ بازی پنجاه و هشتم: رنگ بازی
- ۵۸ بازی پنجاه و نهم: بازی با نی
- ۶۰ بازی شصتم: نقاشی در ساحل یا کنار رودخانه
- ۶۰ بازی شصت و یکم: خمیر بازی
- ۶۰ بازی شصت و دوم: چوب و میخ نجاری
- ۶۱ بازی شصت و سوم: چسباندنی‌ها
- ۶۲ بازی شصت و چهارم: گیره بازی
- ۶۳ بازی شصت و پنجم: بازی با سایه
- ۶۳ بازی شصت و ششم: بازی با قیف
- ۶۴ بازی شصت و هفتم: آب کشی
- ۶۴ بازی شصت و هشتم: بادکنک
- ۶۵ بازی شصت و نهم: بازی با پنبه
- ۶۶ بازی هفتادم: چاله‌های آب
- ۶۶ بازی هفتاد و یکم: اتوبوس سواری
- ۶۶ بازی هفتاد و دوم: حباب سازی
- ۶۷ بازی هفتاد و سوم: بادبادک
- ۷۰ بازی هفتاد و چهارم: تونل بازی
- ۷۰ بازی هفتاد و پنجم: فروشنده‌گی و شغل‌های دیگر
- ۷۰ بازی هفتاد و ششم: بازی با سرنگ
- ۷۰ بازی هفتاد و هفتم: تاب بازی
- ۷۱ بازی هفتاد و هشتم: خاک بازی

۷۲	بازی هفتاد و نهم: بازی با حیوانات
۷۳	بازی هشتادم: بازی با ذره بین
۷۵	بازی‌های دو نفره
۷۷	بازی هشتاد و یکم: کلاغ پیر
۷۸	بازی هشتاد و دوم: بپا زمین نخوری
۸۰	بازی هشتاد و سوم: شلوغ بازی
۸۰	بازی هشتاد و چهارم: شمارش معکوس
۸۰	بازی هشتاد و پنجم: نقطه بازی
۸۱	بازی هشتاد و ششم: عمل طبق دستور
۸۱	بازی هشتاد و هفتم: اسم فامیل
۸۲	بازی هشتاد و هشتم: دوز
۸۴	بازی هشتاد و نهم: بشین پا شو
۸۴	بازی نودم: تغییر اتاق
۸۵	بازی نود و یکم: پانتومیم
۸۵	بازی نود و دوم: سنگ، کاغذ، قیچی
۸۶	بازی نود و سوم: نشانه‌گیری هدف در حال حرکت
۸۶	بازی نود و چهارم: تانک بازی
۸۶	بازی نود و پنجم: آگه اشتباهه نگیر
۸۷	بازی نود و ششم: مواظب باش نیفته
۸۷	بازی نود و هفتم: نون بیار کباب ببر
۸۸	این بازی در بالا بردن سرعت عمل دو طرف مؤثر است.
۸۸	بازی نود و هشتم: شهر بازی

- ۸۹ بازی نود و نهم: لی لی
- ۹۳ بازی صدم: یه قل دو قل
- ۹۹ بازی صد و یکم: بله و نه معکوس
- ۹۹ بازی صد و دوم: مسابقه با اقسام راه رفتن
- ۱۰۰ بازی صد و سوم: بگیر بگیر
- ۱۰۰ بازی صد و چهارم: حمل بار با سر
- ۱۰۱ بازی صد و پنجم: آفتاب مهتاب
- ۱۰۱ بازی صد و ششم: یکی برای تو یکی برای من
- ۱۰۱ بازی صد و هفتم: قدرت فوت
- ۱۰۲ بازی صد و هشتم: بازی های زمستانی
- ۱۰۳ **بازی های چند نفره**
- ۱۰۵ بازی صد و نهم: هُپ
- ۱۰۵ بازی صد و دهم: چشمک بازی
- ۱۰۶ بازی صد و یازدهم: صندلی بازی
- ۱۰۷ بازی صد و دوازدهم: جمله سازی
- ۱۰۷ بازی صد و سیزدهم: بازی با اعداد
- ۱۰۸ بازی صد و چهاردهم: بازی بزنه بزنه
- ۱۱۱ بازی صد و پانزدهم: چرخاندن طناب و پریدن از روی آن
- ۱۱۲ بازی صد و شانزدهم: چشم بسته به دنبال کسی گشتن
- ۱۱۳ بازی صد و هفدهم: دستش ده
- ۱۱۳ بازی صد و هجدهم: راه رفتن با گونی
- ۱۱۴ بازی صد و نوزدهم: مشاعره

۱۱۴	بازی صد و بیستم: قایم باشک
۱۱۶	بازی صد و بیست و یکم: بالا بلندی
۱۱۷	بازی صد و بیست و دوم: اتل متل
۱۱۹	بازی صد و بیست و سوم: ایست
۱۱۹	بازی صد و بیست و چهارم: مجسمه
۱۱۹	بازی صد و بیست و پنجم: خاله بازی
۱۲۰	بازی صد و بیست و ششم: بچه جای ماما؛ ماما و بابا جای بچه
۱۲۰	بازی صد و بیست و هفتم: نمایش
۱۲۱	بازی صد و بیست و هشتم: توپ بازی
۱۲۳	بازی‌های گروهی
۱۲۵	بازی صد و بیست و نهم: زو
۱۲۶	بازی صد و سی ام: نقشه گنج
۱۲۶	بازی صد و سی و یکم: خروس جنگی
۱۲۸	بازی صد و سی و دوم: به تو میگم به اون بگو
۱۲۸	بازی صد و سی و سوم: الک دو لک
۱۳۱	بازی صد و سی و چهارم: وسطی
۱۳۲	بازی صد و سی و پنجم: قلعه بازی
۱۳۳	بازی صد و سی و ششم: هفت سنگ
۱۳۶	بازی صد و سی و هفتم: جمع‌آوری با چشم بسته
۱۳۷	بازی صد و سی و هشتم: گل یا پوچ
۱۴۰	بازی صد و سی و نهم: طناب کشی
۱۴۰	بازی صد و چهلم: رابرت (روپل)



هنوز یادم هست که وقتی با خواهر و برادرم، اسم فامیل بازی می‌کردیم، با چه شور و هیجانی «استپ» می‌گفتیم و وقتی لی‌لی می‌کردیم، چقدر با احتیاط، سنگ را به خانه هشتم می‌انداختیم. با این که یک پسر بودم و بازی لی‌لی به ظاهر دخترانه بود؛ اما جذابیت بازی، غرور پسرانه‌ام را می‌شکست و با خواهرم لی‌لی بازی می‌کردم. وسطی یادتان هست؟ وای که چقدر هیجان داشت وقتی توپ را روی هوا می‌گرفتیم! صفای یه قُل دو قُل فقط به زیبایی بازی‌اش نبود، مادرانمان و حتی مادر بزرگ‌ها هم کنارمان می‌نشستند و رقیب یه قل دو قلمان می‌شدند. پدرمان که از خواب بعد از ظهرش بیدار می‌شد، برگه‌ای را که رویش با خودکار آبی و قرمز دوز کشیده بودیم، کنارش می‌گذاشتیم و او هم در حال چای خوردن با ما بازی می‌کرد. عصر که می‌شد، در کوچه بساط الک دولک برپا بود. هفت سنگ هم رقیب آلک دولک بود. در مدرسه، قلعه بازی و بالا بلندی چه کیفی داشت! کمی بچه‌تر که بودیم، هر چه قایم باشک بازی می‌کردیم، خسته نمی‌شدیم. پشت پرده قایم می‌شدیم و پاهایمان از پایین پیدا بود؛ اما فکر می‌کردیم هیچ کس ما را نمی‌بیند.

تماشای تلویزیون، چاشنی بازی‌هایمان بود. چقدر هم مزه داشت؛ «مدرسه موش‌ها»، «باز هم مدرسم دیر شد»، «هادی و هدی» و «کارواندیشه». راستی «هشیار و بیدار» که یادتان نرفته؟ تلویزیون، بعد از ظهر یک ساعتی مهمانمان بود و باز هم ما بودیم و بازی‌های کودکانه‌مان. امروز اما این بازی‌ها غریب شده‌اند. آیا کسی هست که بگوید عیب این بازی‌ها چه بود که به دست فراموشی سپرده شد؟ سرگرمی‌های عصر مدرن چه گلی به سرمان زده که این اندازه لوس و نازپرورده، همیشه در آغوش کودکان ما جا خوش کرده‌اند؟ دلتان هوای آن روزها را نکرده است؟ می‌دانم که خسته‌اید از سختی تربیت؛ اما بدانید که این بازی‌ها بازوی تربیتند؛ بازوهای قوی که شما

را برای بلند کردن بار تربیت یاری می‌کنند. امتحانش که ضرری ندارد. می‌شود چند روزی هم که شده، در خانه‌تان را به روی این بازی‌ها باز کنید. باور کنید مهمان‌های خوبی هستند. دل این بازی‌ها به حال بچه‌های شما می‌سوزد. این‌ها، هم فکر بچه‌های شما را به کار می‌اندازند، هم جسمشان را به تکاپو. دلشان را به شما نزدیک می‌کنند و شما را در نزدشان عزیز. هیچ آسیبی ندارند؛ نه کودکان‌تان را تخیلی بار می‌آورند و نه جمع‌گريزشان می‌کنند. این بازی‌ها دوست بچه‌های شما هستند؛ دوست‌های واقعی که ظاهر و باطنشان دوستی است؛ نه مثل این بازی‌های جدید که چهره ظالمانه خود را زیر نقابی از دوستی پنهان کرده‌اند. این بازی‌ها صادق و یک رو هستند. همین هستند که می‌بینید. برای بچه‌های شما دام و تله نگذاشته‌اند. این‌ها پله‌های ترقی هستند، باید از آن‌ها بالا رفت. خوب است بیش از این دوستان کودکان خود را پشت در معطل نکنید. این کتاب، میانجی‌آشتی کودکان امروز با بازی‌های دیروز است. نکند دیروزی بودن این بازی‌ها موجب شود که تحویلشان نگیرید. این‌ها اگر چه از دیروز آمده‌اند؛ اما مثل آب زلالند که اگر قرن‌ها و هزاره‌ها بیایند و بروند، باز هم نیاز انسانند. با بازی‌های دیروز می‌توان آینده‌ای روشن برای کودکان امروز رقم زد. پس در را باز کنید. همین حالا.

همان طور که در مقدمه جلد چهارم گفتیم، برای کاربردی‌تر کردن کتاب «منِ دیگرِ ما» تصمیم گرفته‌ایم، ضمیمه‌هایی را به آن اضافه کنیم. این کتاب اولین جلد از ضمائم «منِ دیگرِ ما» است. در جلد چهارم از کتاب «منِ دیگرِ ما» چهارده ویژگی بازی مفید را نام بردیم. در اینجا تعداد زیادی از بازی‌هایی را که دارای ویژگی‌های بازی مفید باشد آورده‌ایم؛ بازی‌های مناسب نوزاد تا بازی‌هایی متناسب با سلیقه یک نوجوان؛ اما پیش از آن که به سراغ بازی‌ها بروید، چند دقیقه‌ای صبر کرده و نکاتی را که در ادامه می‌آید به دقت بخوانید.

الف) برخی به اشتباه فکر می‌کنند امروز دوره بازی‌های سنتی تمام شده؛ اما اگر والدین زمینه این بازی‌ها را برای کودکان فراهم کنند، به این نکته پی خواهند برد که آنچه نیاز کودکان به بازی را پاسخ می‌دهد، همین بازی‌های سنتی است. برای پذیرش این ادعا کافی است چند هفته‌ای زمینه

بازی‌هایی را که در این کتاب آمده، برای کودکان فراهم کنیم. تأثیری که این بازی‌ها بر فرزندانمان خواهد گذاشت، به راحتی این ادعا را ثابت خواهد کرد.

ب) ما پس از بیان شیوه بازی، فواید آن بازی را در یک یا چند جمله آورده‌ایم؛ اما این بازی‌ها در سه ویژگی مشترک هستند. همه این بازی‌ها در نشاط‌افزایی بچه‌ها نقش ویژه‌ای داشته و همچنین حس همدلی و ارتباط عاطفی را به شدت افزایش می‌دهند. علاوه بر این دو، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این بازی‌ها، جنبه سرگرمی آن است. سرگرمی موجود در این بازی‌ها تفاوتی اساسی با سرگرمی‌های دنیای مدرن دارد. وقتی کودک با بازی‌های رایانه‌ای خود را سرگرم می‌کند، آثار منفی زیادی در تربیت جسمی و روحی کودک ایجاد می‌شود؛ اما سرگرمی حاصل از این بازی‌ها بی‌ضرر است.

ج) در بازی‌های سنتی برد و باخت اهمیت چندانی ندارد. آنچه به وسیله این بازی‌ها به دست می‌آید، خیلی از نتیجه مهم‌تر است: تحرک، نشاط، هیجان، همکاری و یادگیری مواجهه با کارهای روزمره در آینده و حتی همین امروز.

د) در انتخاب بازی‌ها به زمان و نوع بازی توجه داشته باشید. در زمانی که کودک خسته است و حوصله ندارد، بازی‌های نشستنی و هنگامی که کودک نشاط دارد، بازی‌های حرکتی انجام دهید. (ه) در این بازی‌ها انعطاف زیادی وجود دارد. با توافقی که میان هم‌بازی‌ها انجام می‌گیرد، می‌توان بازی را به گونه‌ای که جذاب‌تر و هیجانی‌تر و یا ساده‌تر شود، تغییر داد.

و) در برخی از کتاب‌های تربیتی که با موضوع بازی نوشته شده، بازی‌ها با محدوده سنی تقسیم شده است؛ مثلاً برای سه تا شش ماهگی بازی‌هایی را معرفی و برای شش تا نه ماهگی بازی‌های دیگری توصیه می‌کنند. در این کتاب، تقسیم‌بندی بازی‌ها بر اساس شکل‌گیری توانمندی‌هاست؛ مثلاً ما یک بازی را برای زمانی توصیه می‌کنیم که کودک توانایی ایستادن پیدا کرده باشد. از آنجایی که توانایی ایستادن در کودکان در سنین مختلفی به ظهور می‌رسد، بهتر آن دیدیم که به جای ملاک سن، ملاک توانایی‌ها را برای تقسیم بازی‌ها در نظر بگیریم.

این کتاب به دو بخش کلی تقسیم شده است. در بخش اول بازی‌هایی معرفی شده که مناسب ۱. جلد پنجم «من دیگر ما» به آثار رسانه و بازی‌های رایانه‌ای در تربیت کودک می‌پردازد.

مرحله نوزادی تا کامل شدن توانمندی‌های کودک است. بخش دوم نیز به بازی‌هایی می‌پردازد که متناسب با زمان کامل شدن توانمندی‌های کودک است.

ز) برخی از این بازی‌ها را شما باید انجام بدهید و بچه‌ها تماشا کنند. برخی را هم باید انجام بدهید تا بچه‌ها یاد بگیرند. برخی هم اشتراکی هستند. تشخیص این موارد آسان است؛ پس اگر ما یک بازی را به شما آموزش می‌دهیم، به این معنا نیست که همیشه بچه باید تماشاچی باشد. (ح) از یک زاویه، همه بازی‌هایی که در اینجا آموزش داده می‌شود، در این سه دسته قرار می‌گیرد: اول: بازی‌های بدون وسیله؛ دوم: بازی با وسیله‌هایی که در خانه وجود دارد؛ سوم: بازی با تهیه وسایل ساده.

برخی از والدین به اشتباه گمان می‌کنند بازی بدون اسباب بازی، برای کودکان جذابیتی ندارد؛ در حالی که بازی‌های بسیاری وجود دارد که بدون هیچ وسیله‌ای انجام می‌شود؛ اما برای بچه‌ها خیلی هم جذاب است.

ما معتقدیم با این سه دسته بازی، قسمت عمده‌ای از نیاز کودک به بازی پاسخ داده خواهد شد؛ اما در یک جلد مجزا از کتاب ضمیمه‌ها به معرفی اسباب بازی‌های مفید هم خواهیم پرداخت. (ط) گاهی ما والدین به دلیل این که بازی برای خودمان جذاب نیست، فکر می‌کنیم که کودک هم از این بازی لذت نمی‌برد؛ اما حواسمان باشد که ما وارد دوره بزرگسالی شده‌ایم. بسیاری از کارهایی که ما را خسته می‌کند، برای کودک بسیار جذاب است. در جلد چهارم از «من دیگر ما» در این باره سخن گفته‌ایم.^۱

ی) برخی از بازی‌هایی که در اینجا معرفی شده، برای شما کاملاً آشناست؛ اما به دو دلیل علاوه بر ذکر نام این بازی‌ها، توضیح کوتاهی درباره آن خواهیم داد: اول آن که این کتاب بنا دارد برای آیندگان هم بماند. اگر گذشتگان از بازی‌های خودشان برای ما می‌نوشتند، شاید الان بسیاری از بازی‌های قدیمی از یاد نمی‌رفت. پس ما این بازی‌ها را توضیح می‌دهیم تا آیندگان بدانند که ما چه بازی‌هایی داشته‌ایم. دوم آن که: متأسفانه امروزه به قدری اتکاء انسان به رسانه و وسایل مدرن زیاد شده که

۱. رک: من دیگر ما، ج ۴، ص ۳۳.

پدران و مادران جوان با بازی‌های نشاط‌انگیز ساده، غریبه شده و تصویری از این بازی‌ها در ذهن ندارند. ما این‌ها را نوشته و توضیح می‌دهیم به این امید که بازی‌های قدیمی در نسل امروز هم زنده مانده و فراموش نشود.

مسئولان و کارکنان کانون فرهنگی تربیتی امام خمینی علیه السلام، دبستان پسرانه خاتم الانبیاء علیهم السلام و گروه تربیتی «آیین فطرت» نهایت همکاری را با بنده انجام دادند. در این جا بر خود لازم می‌دانم از ایشان و همه کسانی که ما را در راه تدوین این مجموعه یاری کردند تشکر کنم.

ما پرونده این بازی‌ها را نبسته‌ایم. دوست داریم با همکاری شما بازی‌های بیشتری را مهمان خانه‌ها مان کنیم. شما می‌توانید با ارسال بازی‌هایی که می‌شناسید در کامل کردن این مجموعه به کمک ما بیایید.

راه ارتباط با ما برای ارسال این بازی‌ها:

اول: سامانه پیامکی (۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰).

اگر بازی نیاز به توضیح دارد، شما می‌توانید با ارسال یک پیامک آمادگی خود را برای توضیح بازی‌های مورد نظر خود اعلام کنید. همکاران ما در گروه تربیتی «آیین فطرت» در اولین فرصت با شما تماس گرفته و توضیحات شما را می‌نویسند.

دوم: پایگاه اطلاع رسانی نویسنده هم در خدمت شماست: abbasivaladi.ir.

سوم: با این آدرس هم می‌توانید با ما در ارتباط باشید: قم بلوار بوعلی جامعه الزهرا علیها السلام معاونت فرهنگی. ما منتظر پیشنهادهای و انتقادهای شما هستیم.


امید است این کتاب قدمی دیگر در راستای تربیت فرزند صالح در زندگی شما باشد.

محسن عباسی ولدی

قم شهر بانوی کرامت

۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۲

۸ ربیع الثانی ۱۴۳۵

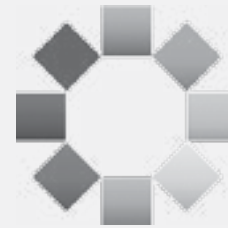


بخش اول:
مرحله شکل گیری
توانمندی ها

بازی اول: صدا درآوردن

شنیدن و دیدن، اولین توانمندی‌های کودک است که به ظهور می‌رسد. در این دوره بازی به معنای حرکتی آن برای کودک معنایی ندارد؛ اما بازی‌هایی که کودک از طریق شنیدن و دیدن از آن لذت می‌برد، برای او مفید است.

بچه‌ها از همان هفته‌های نخستین زندگی نیازمند به بازی هستند؛ اما بازی با نوزاد خیلی ساده و پیش پا افتاده است. شاید ما و حتی کودکان هیچ حسی با این بازی‌ها نگیریم؛ اما برای نوزادان جذاب است. یکی از این بازی‌ها صدا درآوردن است. کودک از شنیدن صدای برخورد دو چیز با هم لذت می‌برد؛ البته نباید این صدا به گونه‌ای باشد که او وحشت کند. مثلاً به هم خوردن دو لیوان پلاستیکی برای نوزادان جذاب است؛ اما به هم خوردن دو قابلمه برای او ترسناک است. صداهایی هم که والدین با دهانشان ایجاد می‌کنند، برای کودک جالب است.



مراحل رشد کودک را می‌توان به دو مرحله کلی تقسیم کرد. مرحله اول، شکل‌گیری توانمندی‌هاست. در این مرحله استعدادهاى کودک نوبت به نوبت به ظهور می‌رسد. اگرچه سیر کلی ظهور توانایی در همه یکسان است؛ اما زمان دقیقی را برای آن نمی‌توان مشخص کرد؛ مثلاً ممکن است کودکی پیش از دو سالگی به صورت کامل حرف زدن را یاد بگیرد؛ ولی کودک دیگری تا چهارسالگی هم این توانایی را به صورت کامل کسب نکرده باشد. در مرحله دوم، توانمندی‌های کودک کامل شده؛ یعنی هم حرف می‌زند، هم راه می‌رود و هم می‌دود. در این بخش به بازی‌های مناسب مرحله اول و در بخش دوم نیز بازی‌های مرحله دوم را خواهیم آورد.

به هیچ وجه گزینه خوبی برای آرام کردن کودک نیست.^۱

بازی دوم: خواندن

بازی سوم:

تقلید صدا

پیش از آن که بچه‌ها شروع به حرف زدن کنند، صداهایی را از خود درمی‌آورند. وقتی کودک از خود صدایی درآورد، شما نیز همان صدا را تقلید کنید. گاهی اوقات کودک دوباره همان صدا را درمی‌آورد. در این هنگام باز هم شما صدای او را تقلید کنید. وقتی کودک عین صدای خود را از شما می‌شنود، خوشحال می‌شود. این بازی به حرف زدن کودک، کمک زیادی می‌کند.

بازی چهارم:

بازی با انگشتان

چند ماه که از تولد بچه‌ها می‌گذرد، دوست دارند اشیاء را به دست بگیرند.

۱. تربیت دینی روی خوشی به موسیقی نشان نداده است. ما دلایل خود را در این باره در کتابی مستقل با نام «موسیقی، انسان، خدا» آورده‌ایم.

نوزادان از آواز لذت می‌برند. برخی از آنان به قدری به آواز توجه می‌کنند که در اوج گریه هم که باشند، با شنیدن آواز آرام می‌شوند. قدیمی‌ها برای آرام کردن نوزاد شعرها را به صورت آواز می‌خواندند. لایبی‌ها هم معمولاً به صورت آواز خوانده می‌شد.

علاوه بر خواندن شعر، تلاوت قرآن با صوت هم بسیار خوب است. شما می‌توانید اسماء شیرین اهل بیت علیهم‌السلام را نیز پشت سر هم و با آهنگی دل‌نشین تکرار کنید.

نوازش نوزاد، یا ضربه زدن‌های آرام به کمر یا سینه او در هنگام خواندن شعر آرامش عجیبی به او می‌دهد. در میان شعر خواندن یا پایان شعر، بوسیدن کودک را فراموش نکنید.

این کار علاوه بر این که کودک را آرام می‌کند، به تقویت احساس عاطفی کودک نسبت به والدین کمک می‌کند.

برخی از والدین متأسفانه برای آرام کردن کودک از موسیقی استفاده می‌کنند. موسیقی

آرام آرام کودک در این بازی تلاش می‌کند که غلت خورده و به شکم بخوابد. پاهای نوزاد را جمع کنید و باز کنید. در حین انجام این حرکات ساکت نباشید. این کارها را می‌توانید با گفتن یک دو سه انجام دهید. شکلک درآوردن هم در حین انجام این بازی برای کودک خنده‌آور است.

این بازی به نوزاد کمک می‌کند که غلت خوردن را زودتر یاد بگیرد. یکی از کارهای جذاب برای کودک همین است که بتواند خودش غلت خورده و روی شکم دراز بکشد.

بازی ششم:

پنهان کردن و نشان دادن

صورت خود را پشت دستانتان یا پشت کسی مخفی کنید. بعد هم با صدایی که ترسناک نباشد، خود را ظاهر کنید.

پشت کسی که نوزاد را بغل کرده مخفی شوید. یک بار از سمت چپ خود را نشان دهید. وقتی نوزاد به شما نگاه کرد، دوباره پشت آن فرد مخفی شده و خود را از سمت راست ظاهر کنید.

دست بچه‌ها در این زمان توانایی نگه داشتن اشیاء را دارد. اگر انگشت اشاره خود را به دستان کودک بدهید، او آن را محکم می‌گیرد. ممکن است بچه دوست داشته باشد انگشت شما را بمکد. اگر دستانتان را شسته‌اید، مانع او نشوید؛ البته نباید این کار را به قدری تکرار کنید که به آن عادت کند. گاهی هم کودک دوست دارد انگشتان شما را گرفته و بلند شود. به او اجازه انجام این کار را بدهید. لازم نیست حتماً به صورت کامل بلند شود. همین اندازه که سرش را هم کمی از روی زمین بلند کند کافی است.

وقتی کودک دست شما را گرفته و بلند می‌شود، حس موفقیت پیدا می‌کند. این حس نشاط کودک را افزایش می‌دهد.

بازی پنجم:

تکان دادن

بچه‌ها از تکان خوردن بدنشان خوشحال می‌شوند. در حالی که کودک دو سه ماهه‌تان به پشت روی زمین خوابیده، دستانش را بگیرید و به راست و چپ تکان بدهید.

این کار را چند بار تکرار کنید.

بروید.

این بازی در هنگام بهانه گرفتن کودک، می‌تواند شما را در آرام کردن او کمک کند.

گاهی هم خود را از دید نوزاد پنهان کرده و او را صدا بزنید. در این هنگام کودک به دنبال صدا می‌گردد تا شما را پیدا کند. وقتی شما را پیدا کرد، جایتان را عوض کرده و دوباره او را صدا بزنید. اگر کودک با اولین صدا شما را پیدا نکرد، صدا زدن را چند بار تکرار کنید. اگر باز هم شما را پیدا نکرد، خودتان را به او نشان بدهید؛ زیرا ممکن است با شنیدن صدا و پیدا نکردن صاحب آن، دچار وحشت شود.

این بازی هماهنگی میان قوه شنوایی و بینایی کودک را تقویت می‌کند.

بازی هفتم:

اومدم اومدم

با انگشت میانی و اشاره خود حالت دو پا را نشان داده و این دو پا را روی زمین حرکت دهید و هم‌زمان با این حرکت بگویید: «اومدم اومدم اومدم». وقتی این دو پا نزدیک نوزاد شد، سرعت را بیشتر کرده و «اومدم اومدم» را هم تندتر بگویید. بعد هم با این دو پا روی بدن نوزاد راه

بازی هشتم:

بالا بردن

به پشت بخوابید. پاهایتان را روی شکم خود خم کرده و او را روی ساق پایتان به شکم بخوابانید و دستش را بگیرید. الآن شما گهواره‌ای برای فرزندتان شده‌اید.

اگر کودکتان از نوزادی بیرون آمده و می‌تواند تعادل خود را حفظ کند (مثلاً کودک یک ساله) در همین حالت به پشت خوابیده، او را روی کف پایتان بگذارید و آرام پاهایتان را بالا ببرید. دستانش را به مدت خیلی کم رها کرده و بگذارید کودک تعادلش را حفظ کند. مراقب باشید کودک نیفتد.

کودک در این بازی حفظ تعادل را یاد می‌گیرد. چشم در چشم بودن شما و کودکتان در این بازی بر ارتباط عاطفی شما و او تأثیر زیادی دارد. وقتی شما در این بازی با هیجان می‌خندید و



کودک نیز همراه شما می‌خندد، شادابی ویژه‌ای به کودک تزریق می‌شود.

بازی نهم: بالا و پایین انداختن

کودک از بالا و پایین انداخته شدن خیلی لذت می‌برد؛ البته ممکن است، کمی هم بترسد؛ اما اگر شما دو نکته را رعایت کنید، این ترس از بین رفته و تنها لذتش باقی می‌ماند؛ نکته اول اینکه ارتفاع بالا انداختن کم باشد. دوم آنکه تعداد آن هم زیاد نباشد.

این بازی علاوه بر هیجانی که برای کودک دارد، در مواقعی که ناآرامی می‌کند، می‌تواند به آرام شدن او کمک کند.

ببرد.
این بازی هم از نوع بازی‌هایی است که کودک اثرکار خودش را در آن می‌بیند. همچنین این بازی برای کودک ورزش دست محسوب می‌شود.

بازی دهم:

جفجفه‌های واقعی

درب قوطی حبوبات را محکم بسته و در مقابل کودک تکان دهید. بعد هم آن را به دست کودک بدهید تا از صداهاى متفاوتی که می‌شنود لذت

بازی یازدهم:

تولید صدا

اگر چه این بازی کمی حوصله می‌خواهد؛ اما برای کودکان جذاب است. یک قاشق و یک ظرف

دست کودک را بگیرید تا از حالت نشسته به حالت ایستاده بیاید. یک لحظه او را رها کرده و با هیجان به او بگویید: «وایسا وایسا». حتی یک لحظه هم از کودک غافل نشوید. این کار را برای مرحله چهار دست و پا رفتن هم می‌توان انجام داد. در این صورت کودک مرتب به پشت سر نگاه کرده و با اشتیاق سرعتش را بیشتر می‌کند.

بازی سیزدهم:

بیا بیا

وقتی کودک توانایی پیدا می‌کند که دستش را به جایی گرفته و بایستد، به او کمک کنید تا این کار را انجام دهد. در چند قدمی او وسیله‌ای را بگذارید که برای به دست آوردن آن انگیزه راه رفتن داشته باشد. در این هنگام علاوه بر اینکه مراقب کودک هستید، با گفتن «بیا بیا» او را تشویق کنید تا به شیء مورد نظر برسد. این بازی مقدمه‌ای برای آن است که کودک بدون تکیه به جایی راه برود.

فلزی به کودک داده و بگذارید که با زدن قاشق روی ظرف، صدایی تولید کند. کودک از صدایی که خودش تولید می‌کند به شدت لذت می‌برد. اگر می‌خواهید کودک را بیش از این شاد کنید، ظروف بیشتری در مقابلش بگذارید تا صداهای بیشتری تولید کند؛ مثلاً یک سینی، قابلمه و کاسه فلزی که سه جور صدا تولید می‌کند. گاهی هم ملاقه به دستش بدهید.^۱

این بازی، تجربه کودک را نسبت به اشیاء دور و بر خود زیاد کرده و ارتباط او را با این اشیاء واقعی‌تر می‌کند. کودک در این بازی اثر کار خودش را می‌بیند که برای او خیلی جذاب است.

بازی دوازدهم:

وایسا وایسا

بچه‌ها وقتی در آستانه زمانی هستند که می‌توانند بایستند، از بازی «وایسا وایسا» خوششان می‌آید.

۱. خواهش می‌کنم نگویند که دلت خوش است، کو حوصله؟ باور کنید وقتی که این سطرها را می‌نویسم، به معنای واقعی کلمه خودم را در عالم بچه‌ها غرق کرده‌ام. دلم به حال بچه‌ها می‌سوزد که کودکی‌شان را در مقابل بی‌حوصلگی ما قربانی می‌کنند؛ البته درستش این است که بگوییم ما کودکی آن‌ها را در مقابل بی‌حوصلگی مان قربانی می‌کنیم.

اگر بچه‌ها در سنینی نیستند که بتوانند در پشت شما محکم بنشینند، باز هم از این بازی غافل نشوید. مادر، بچه را پشت پدر نشاند و پدر هم به حالت چهار دست و پا راه برود. در این هنگام، بچه‌ها دوست دارند صدای اسب را از شما بشنوند. گاهی هم با مراقبت کامل دستانتان را مقداری از زمین بلند کنید و صدای اسب دریاورید.^۱ در این بازی بچه شدن والدین به شدت نمود دارد؛ از این روزاتباط روحی زیادی میان والدین و کودکان برقرار می‌شود. کودک در این بازی حفظ تعادل را نیز یاد می‌گیرد.

بازی شانزدهم:

سواری روی اشیاء

کودک را روی یک بالش یا تشک کوچک بچه‌گانه خوابانده و او را بکشید. در هنگام کشیدن، صدایی هم از خود در بیاورید؛ صدای موتور، ماشین. بچه‌ها از چند ماهگی تا چند سالگی از این بازی

۱. خدایا! الآن که این‌ها را می‌نویسم به قدری احساس بچه‌ها در هنگام بازی‌های این چنینی با والدین را حس می‌کنم که آرزو می‌کنم همهٔ بچه‌ها طعم شیرین این بازی‌ها را بچشند. خدایا! خودت دل پدر و مادرها را برای انجام این بازی‌ها نرم کن و توان و حوصله‌شان را در این مسیر روزافزون نما. آمین.

بازی چهاردهم:

دادن و پس گرفتن اشیاء

وقتی کودک توانایی گرفتن اشیاء را پیدا می‌کند، چیزی را به دستش نزدیک کنید تا بگیرد. وقتی آن چیز را گرفت، آرام از دستش گرفته و دوباره آن را به دستش نزدیک کنید تا بگیرد. گاهی که مقاومت می‌کند و آن چیز را پس نمی‌دهد، یک شیء دیگر را به او نشان بدهید. حالا پشت سر هم جای این دو شیء را عوض کنید. شیء اول را به دستش داده و بعد از چند لحظه شیء دوم را نشان بدهید تا آن را بگیرد.

کودک وقتی یک شیء را از شما می‌گیرد، احساس قدرت و پیروزی می‌کند. این بازی ماهیچه‌های دست کودک را هم تقویت می‌کند.

بازی پانزدهم:

سواری دادن

وقتی بچه‌ها توانایی ثابت ماندن در پشت شما را پیدا می‌کنند، سواری دادن برایشان از لذت‌بخش‌ترین بازی‌هاست. وقتی سوار بر پشت شما، گردنتان را می‌گیرند و شما هم چهار دست و پا راه می‌روید، خوشحالی از سرو رویشان می‌بارد.

دستش را به آن می‌گیرد، قدرت بدنی او افزایش می‌یابد. در تمام بازی‌هایی که کودک می‌خندد بدانید که یک اتفاق بزرگ و لازم در حال افتادن است. خنده‌های کودک در این نوع بازی‌ها مثل نان شب برای او ضروری است. وقتی کودک در هنگام نشستن نمی‌تواند تعادل خود را به خوبی حفظ کند، اولاً خیلی آرام حرکت کنید و ثانیاً تا جایی که ممکن است، یک نفر به عنوان مراقب در کنار کودک باشد.

لذت می‌برند.^۱ این کار را با سوار کردن کودک در یک سبد، لگن یا قابلمه بزرگ هم می‌شود انجام داد. در این هنگام می‌توانید با بستن یک طناب به این وسایل، بازی را برای کودک شیرین‌تر کنید.

این بازی برای کودک هیجان زیادی تولید می‌کند. وقتی کودک روی چیزی نشسته و

۱. آرام بگوییم تا کوچک‌ترها نشنوند: اگر کسی باشد که ما بزرگ‌ترها را بکشد، بدمان که نمی‌آید هیچ، حسابی هم خوشحال می‌شویم.



کودک سبدها را به جلو هل داده و راه می‌رود. در این هنگام مراقب باشید سرعت سبدها زیادتر از سرعت کودک نشود؛ زیرا ممکن است کودک به زمین خورده و صورتش به سبدها برخورد کند. این بازی، به زود راه افتادن کودک کمک می‌کند. علاوه بر این، ورزشی برای او محسوب شده و قدرت بدنی او را افزایش می‌دهد.

بازی هجدهم:

برج ساختن و خراب کردن

کودکان از چیدن اشیاء بر روی هم لذت می‌برند. آن‌ها دوست دارند برج‌های ساخته شده را خراب کرده و خراب شدن آن‌ها را تماشا کنند؛ پس ظرف‌های پنیرو ماست و ... را دور نریزید. وقتی تعداد قابل توجهی از این‌ها جمع شد، به کودک بدهید تا از آن برجی ساخته و بعد هم خراب کند. کودک در این بازی قانون‌های بیشتری از ارتباط با اشیاء را یاد می‌گیرد. تلاش برای ایجاد تعادل در میان اشیاء نیز یکی دیگر از آثار این بازی است. کودک شکل جدیدی با روی هم قرار دادن درست می‌کند. این کار، حس جدیدی از

بازی هفدهم:

راه رفتن به کمک اشیاء

این بازی برای وقتی است که بچه‌ها توان ایستادن به کمک یک شیء را پیدا کرده؛ اما هنوز نمی‌توانند راه بروند. وسیله‌ای مثل سبدها را در مقابل کودک بگذارید تا دستش را به آن بگیرد و بلند شود. وقتی کودک بلند شد، آرام آرام سبدها را به سمت جلو بکشید. کودک از این که می‌تواند راه برود خیلی خوشحال می‌شود. گاهی هم خود



دیدن اثر خویش را در او تولید می‌کند.

بازی نوزدهم:

این چیه؟

اعضای بدن‌تان را به کودک نشان دهید و از او بپرسید این چیست؟ بعد هم خودتان جواب بدهید. با این بازی آرام آرام کودکان با اعضای بدنش آشنا می‌شود.

بازی بیستم:

بازی با آینه

قدیم‌ترها که این اندازه تلویزیون خانه‌های ما را تسخیر نکرده بود، آینه بازی یکی از بازی‌های متداول میان بچه‌ها بود. یک آینه کوچک برداشته^۱ و در مقابل نور خورشید بگیرید. نوری را که از آینه منعکس می‌شود، روی دیوار خانه بیندازید. کودک را به سمت نور منعکس شده هدایت کنید. وقتی خواست آن را بگیرد، آینه را حرکت بدهید تا جای نور منعکس شده هم

۱. یادش به خیر! آن وقت‌ها اگر آینه گیرمان نمی‌آمد با سینی‌های استیل کوچک این کار را می‌کردیم.



عوض شود. گاهی هم اجازه بدهید نور را بگیرد.

در این هنگام شما ابراز شکست کرده و برای او که پیروز شده دست بزنید تا احساس موفقیت کند. اگر این بازی را با دو آینه انجام دهید، بازی جذاب‌تر می‌شود.

جاهای تاریک را می‌شود با نور آینه روشن کرد. این کار برای بچه‌ها جالب است.

با نور منعکس شده، برخی از اشیاء را نشان بدهید و از کودک بخواهید نام آن اشیاء را بیان کند.

در این بازی کودک با برخی از قوانین حاکم بر دنیای نور آشنا می‌شود.

بازی بیست و یکم:

آب بازی


آب بازی برای بچه‌ها از جذاب‌ترین بازی‌هاست که برخی از شیوه‌های آن را در اینجا می‌آوریم: الف) یک ظرف آب در مقابل کودک چند ماهه بگذارید و اجازه دهید دستش را داخل ظرف کند.

ب) دو لیوان فلزی یا پلاستیکی به همراه یک ظرف بزرگ‌تر مثل پارچ را به او بدهید و کودک را

به حال خود رها کنید. ج) کودک را در تشت آب در حمام بنشانید. وسایل مختلفی؛ مثل قوطی شامپوی خالی، ظرف پلاستیکی، ظرف فلزی، نی، قیف و... را در دسترسش قرار دهید. کودک خودش می‌داند چطور بازی کند.

د) قوطی‌هایی شبیه به قوطی سس را پر از آب کرده و آن را در اختیار کودک بگذارید. فشار دادن این قوطی‌ها موجب می‌شود شبیه یک تفنگ آب‌پاش عمل کند.

بازی با آب به همین شکلی که گفته شد، حتی پس از کامل شدن توانمندی‌ها هم برای کودکان جذاب است. این جذابیت تا سن هفت سالگی و حتی بالاتر هم ادامه می‌یابد.



بخش دوم:
دوره کامل شدن
توانمندی